

بازپژوهی مبادی فقهی مؤثر بر اجتهاد کارآمد مذاهب اسلامی (در بررسی رسانه و احکام رسانه ای)

مرتضی چیت سزایان^۱، مهسا مولائی پناه^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مطهری.

^۲ کارشناسی ارشد دانشگاه مذاهب اسلامی (رشته ی فقه مقارن و حقوق عمومی) - مدرک معادل سطح ۲ حوزه.

نام نویسنده مسئول:

مهسا مولائی پناه

چکیده

عصر کنونی، عصر ارتباطات و رسانه ها و پیدایش نظام های ناشی از آن و روابط کلان میان آنهاست. نظام رسانه ای بر سایر نظام های اجتماعی تأثیر نهاده و در یک فرآیند رفت و برگشتی از آن نظامات تأثیر می پذیرد. در این میان اجتهاد مجتهدین مذاهب اسلامی نیز باید متناسب با وقایع و مسائل روز و از آن بالاتر باید با لحاظ جوانب مختلف روابط میان نظام ها و فعل و انفعالات میان آن ها باشد تا بر پایه ی سنت و روش موروث از فقهای عظام بتواند طرحی نو دراندازد. مسئله ی اصلی آن است که مشکلات و آسیب های ناشی از نبود نظام رسانه ای مدون و به عبارت دقیق تر نبود تئوری فقه رسانه و نقشه ای راهبردی و کارآمد برای سایر اجزای آن، آیا ناشی از فقدان و یا وجود نقص و کمبود در فقه مذاهب اسلامی است یا خیر؟ پژوهشگر در پی یافتن راهکاری برای این مشکلات، به این نتیجه دست یافته است که توجه به مبادی فقهی، می تواند همانند سیری پررنگ در فرآیند اجتهاد و حکم نهایی مجتهد و پویا ساختن آن مؤثر باشد. این پژوهش در پی معرفی مهم ترین این مبادی و تأثیر آن ها در فرآیند اجتهاد مؤثر در حوزه ی فقه رسانه است.

واژگان کلیدی: اجتهاد، مذاهب اسلامی، فقه، رسانه، مبادی.

مقدمه

هر مکتب یا فلسفه یا شیوه ای برای زندگی، خواه ناخواه بر نوعی اعتقاد و بینش درباره ی انسان، و بر نوعی تفسیر و تحلیل از جهان هستی مبتنی است. رسانه نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای تعریف از زندگی و چگونگی تحقق اهداف آن الزاما به نوعی از انسان شناسی و هستی شناسی پای بند است و بر اساس آن برنامه سازی می کند. به تعبیری دیگر، همواره بر رسانه، نوعی انسان شناسی و هستی شناسی مفروض است. موضوع هستی شناسی، علم موجودات و ماهیت وجود یا هستی است و موضوع انسان شناسی، شناخت انسان و جایگاه او در جهان آفرینش است. این موردها، مسئله ی مرکزی همه ی علوم از جمله علوم ارتباطات و رسانه هستند. رسانه ها راه را هموار می سازند تا مردم با استفاده از آنها درباره ی جهان خود، آگاهی یابند. (انسان شناسی و هستی شناسی رسانه، ص ۱۴۳؛ رک: نظریه ی رسانه ها)

هستی شناسی با بررسی واقعیت جهان ماهیت انسان، نقش او را در جهان مشخص می کند و آنها را تدریجاً به تهیه نظامی که در آن مفاهیم و پدیده های مختلف با هم مربوط هستند قادر می سازد در این باره باید به این موضوع توجه داشت که رسانه می تواند از نظر نوع هستی شناسی، خود آثار و پیامدهای مختلفی داشته باشد مثلاً می تواند هستی را ناشی از قوانین احتمالات و برحسب تصادف تفسیر کند و برای آن خالق و مدبری یابد. اگر نگاه فلسفی حاکم بر رسانه بتواند با کل هستی ابدیت و ماورای مادیات پیوند منطقی برقرار کند و برای زندگی مفهوم و غایتی بیابد این نحوه نگرش نیز می تواند در محتوای بسیاری از رسانه ها به بروز و ظهور برسد.

انسان شناسی شناخت انسان و جایگاه او در جهان آفرینش موضوع و مسئله ی مرکزی همه ی علوم است. (همان، صص ۱۴۷-۱۴۶؛ رک: تاریخ علم روانشناسی)

اما انسان شناسی غرب، انسان را تک ساحتی می داند. (مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (قدس سره)، ص ۹۲؛ انسان تک ساحتی، ص ۷) مبانی انسان شناسی در رسانه ها، از آغاز پیدایش خود تاکنون همواره متأثر از شرایط اجتماعی و میزان اثرپذیری پذیرنده نخبگان جامعه از مکاتب انسان شناسی تحت تاثیر اشکال مختلف کارشناسی قرار داشته اند. (انسان شناسی و هستی شناسی رسانه، ص ۱۴۸)

فرآیند اجتهاد در مسائل علوم رسانه و ارتباطات نیز از مبادی هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناسی بهره می برد. تاثیرپذیری رسانه از دین در این زمینه به نفوذ دین در رسانه بستگی دارد که دین برای مداخله و صدور حکم خود صالح می داند دینی که خود را مسئول تنظیم همه بخش های زندگی فردی و اجتماعی بشر می داند به خود حق می دهد یا برای خود وظیفه قائل است در همه عرصه های کار رسانه ای قواعد ارشادی یا الزامی داشته باشد اینگونه است که رسانه از خدمات دین تاثیر می پذیرد. (تعامل دین و رسانه از دیدگاه حقوق، صص ۲۷-۲۶)

این پژوهش با پرداخت به برخی از مهم ترین عناوین مبادی معرفت شناختی و غیر معرفت شناختی در آثار فقهای بزرگ مذاهب اسلامی از جمله فقهای شیعه و اهل سنت و تقریب نظرات میان این بزرگواران سعی در اثبات تاثیر فراوان این مبادی در فرآیند اجتهاد دارد. به گونه ای که در امر مهمی مانند رسانه، رجوع به این مبانی اجتناب ناپذیر می نماید. همچنین مسئله ی اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش است که مشکلات و آسیب های ناشی از نبود نظام رسانه ای مدون و به عبارت دقیق تر نبود تئوری فقه رسانه و نقشه ای راهبردی و کارآمد برای سایر اجزای آن، آیا ناشی از فقدان و یا وجود نقص و کمبود در فقه مذاهب اسلامی است یا خیر؟ برخی از موثر ترین مبادی معرفت شناختی عبارت است از: مصلحت، مقاصد شریعت، حکومت (خلافت و ولایت)، حکمت، حفظ نظام و برخی از موثر ترین مبادی غیر معرفت شناختی شامل: تاریخ اسلام، توجه به نظرات کارشناسان (تجمع نخبگانی) و عنصر زمان و مکان می باشد. لازم به ذکر است که عناوین نامبرده هر یک در برخی موارد و شرایط می توانند با هم همپوشانی داشته باشند. آنچه اهمیت آن مد نظر این تحقیق بوده است، کاربرد این مبادی در فرآیند اجتهاد و صدور حکم است.

مفاهیم

۱. مبادی علم و اقسام آن

مبادی پژوهی بخش قابل توجهی از مباحث اصول فقه کنونی را تشکیل می دهد، تقریباً یک سوم حجم آثار اصولیان متأخر، معطوف به بحث از مبادی فرداندیشی و فرامسأله ای اصول فقه است. آنان در خلال مبادی پژوهی مباحث بسیار دقیقی را در زمینه های فلسفه ی علم، معرفت شناسی، معنانشناسی، زبان شناسی، حکمت عملی، فلسفه ی حکم و... ارائه داده اند. می توان گفت این بحث مورد توجه متقدمین نیز بوده است مخصوصاً پس از انفکاک دو علم فقه و اصول که با اثر التذکره بأصول الفقه از سوی شیخ مفید صورت گرفت. (درآمدی تأسیسی بر فلسفه اصول فقه، ص ۸) توجه به تعاریف ارائه شده ی این مبحث و تقسیم بندی های آن، مقصود این تحقیق از نگاه معرفت شناسانه را روشن می سازد.

مفهوم مبادی

پیش از پرداختن به مسائل هر علمی به یک سلسله شناختهای تصویری و تصدیقی نیاز هست که بدان ها مبادی آن علم گویند. (محاضرات فی الاصول الفقه، ج ۴، ص ۱۷۸؛ القوانین المحکمه، ج ۱، ص ۵) به عبارت دیگر، مجموعه ای از مباحث زیرساختی را که تصور و تصدیق علم و مسائل اساسی آن متوقف بدانهاست، مبادی علم می گویند. (فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ص ۶۵۶) در واقع مبادی یک سری قضایای مسلم و مفروضی هستند که در هر علمی بر اساس آن ها استدلال و استناد می شود. (آینده پژوهی و مطالعات دینی، ص ۶)

مبادی تصویری

مقدمات تصویری برای علم اصول فقه مبادی تصویری اصول فقه، مقابل مبادی تصدیقی اصول فقه بوده و به معنای یک سلسله تعاریف و تصوراتی است که دانستن آنها برای یادگیری علم اصول فقه ضرورت دارد، مثل: تعریف علم اصول و موضوع آن، تعریف وضع، حکم و غیره. (فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲۷)

مبادی تصدیقی

مبادی تصدیقی که در اصول فقه به کار می رود، مقابل مبادی تصویری اصول فقه بوده و عبارت است از یک سلسله تصدیقاتی که دانستن آنها برای یادگیری مسائل علم اصول فقه لازم است، خواه این مبادی، کلامی باشد مانند: مباحث جبر و اختیار یا منطقی مانند این که آیا دلالت، تابع اراده است یا تابع علم به وضع و یا نحوی. (فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲۷)

اقسام مبادی تصدیقی

در نوعی از تقسیم بندی مبادی تصدیقی فقه، دو دسته را شامل می گردد؛ قسم اول: مبادی ای تاثیر مستقیم و مابشرتی بر فتاوی فقهی دارند و قسم دوم شامل مبادی ایست که با واسطه و غیر مستقیم بر فتاوی مجتهدان و مکانیسم اجتهاد تاثیر دارند. در دسته بندی دیگر، می توان به سه نوع "مبانی هستی شناسی فقه"، "مبانی معرفت شناسی فقه" و "مبانی دین شناسی فقه" اشاره کرد:

مبانی هستی شناسی فقه

کافی ست ما هستی را اعم از هستی حقیقی و اعتباری بدانیم و بر هستی اعتباری منشا حقیقی قائل شویم. این تقسیم وجود به حقیقی یا اعتباری یا تقسیم وجود به مادی و معنوی _ملکی و ملکوتی_ بر اهداف فقه و بر فتاوی فقهی تاثیر خواهد داشت. مثلاً؛ اول باید در حوزه هستی شناسی وجود را به دنیوی و اخروی تقسیم کرده باشیم تا بتوانیم بگوییم دین و فقه برای دنیا و آخرت برنامه دارد؛ و فقه تنها برای حل امور دنیوی، آن هم در مقام تخصص نیامده است.

مبانی معرفت شناسی فقه

ما یکسری ابزار معرفت شناسی داریم؛ مثل حس و عقل و یکسری منابع معرفت شناسی داریم؛ مثل طبیعت عقل و وحی. مثلاً پاسخ ما به این سوال در باره "معرفت شناسی عقل" تاثیر گذار بر فقه خواهد بود:

۱. آیا شان عقل به عنوان یک ابزار و منبع معرفت شناسی در فقه تنها کاشفیت حکم است یا حکومت هم دارد؟ ما عدلیه معتقدیم عقل هم در حوزه نظر (عقل نظری) و عمل (عقل عملی) کاشفیت دارد. آیا اجازه حاکمیت هم دارد که حکم کند، مدح و ذم کند؟ این مساله محل بحث فقهاست.

مبانی دین شناسی فقه

یک سری مبانی دین شناختی داریم که تاثیرات معرفتی، کاربردی یا فتوایی در فقه دارند. مانند اعتقاد به خاتمیت حضرت محمد (ص) که پیوند وثیقی با امامت دارد و حق تشریح برای امام. نتیجتاً این بحث ها (مانند شئون مختلف حضرت رسالت مآب) درون دینی است و از مبادی دین شناختی فقه به شمار می رود که کارکرد عملی در فقه دارد و فقهای عظام هم به آن پرداخته اند. (درس خارج فلسفه ی فقه با رویکرد سیاسی اجتماعی، جلسه ی پنجم، (پایگاه اطلاع رسانی وسائل))

به عقیده ی برخی از پژوهشگران مبانی نظری- ارزشی فرآیند استنباط فقهی که از آن به عنوان سامانه ی احکام یاد می کنند شامل هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و زیبایی شناسی و مبانی ارزشی مشخصاً همان سامانه ی جامع اخلاقی است؛ سامانه ی احکام، قوانین و مقررات چه در کلان احکام و چه در احکام یک حوزه ی تخصصی (مانند احکام فقهی رسانه) را در بر می گیرد. (پی نوشت رک: آکوچکیان، احمد، مدخلی معرفت شناختی بر فقه رسانه از مبانی نظری تا سامانه ی احکام تا مدیریت راهبردی، قم، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، ۱۳۹۲، ه.ش.)

اصول موضوعه و اقسام آن

در ابتدا اشاره شد که از مبادی با عنوان مبانی، اصل موضوعه و... نیز یاد می شود اما به دلیل وجود تفاوت های خاص در تعاریف، مجدداً به اختصار به اصل موضوعه و اقسام نیز اشاره می گردد:

علاوه بر کاربرد مبادی میان اصولیان، بر اساس دیدگاه فلاسفه ی اسلامی نیز هر علمی مبادی تصویری و تصدیقی دارد (صاحب نظران معاصر فلسفه ی علم در غرب، از این مبادی با عنوان «پیش فرض ها» یاد می کنند که البته بر خلاف نگرش فلاسفه ی اسلامی، مبادی غیر معرفتی را نیز در بر میگیرد) که این مبادی یا از سنخ اصول متعارفه (بدیهیات) هستند که نیاز به اثبات و بررسی ندارند؛ چرا که برای همه ی انسان ها معلوم بالذات هستند، و یا از سنخ اصول موضوعه اند که می باید در یک علم مقدم بر آن علم جاری، اثبات شوند. (معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، ص ۱۱۰)

تعریف اصل موضوعه

اصول موضوعه ی هر علم، گزاره هایی هستند که صدقشان بدیهی نیست و نیازمند اثبات اند، ولی در علم یاد شده صادق فرض شده اند؛ چرا که اساساً این گزاره ها مسائل دانشی دیگرند؛ از این رو می باید در آن دانش اثبات شوند. به عبارت دیگر، گزاره های مزبور از آن دانش وام گرفته شده اند. (درآمدی به نظام حکمت صدرایی، ج ۱، ص ۶۲)

اقسام اصول موضوعه

اصول موضوعه ی هر علم را می توان به مبادی هستی شناختی، مبادی معرفت شناختی، مبادی انسان شناختی و مبادی مربوط به دیگر علوم تقسیم کرد. (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۹۲، صص ۲۸-۷)

کاربرد اصل موضوعه در علوم روش شناسی بنیادین و آینده پژوهی

علم روش شناسی بنیادین: لازم به ذکر است علمی را که شناخت ارتباط منطقی علوم با مبادی و اصول موضوعه شان را بر عهده دارد، «روش شناسی بنیادین» نامیده اند. روش شناسی بنیادین پیامدهای منطقی مبادی و اصول موضوعه ی مختلف را نسبت به یک حوزه ی معرفتی و علمی به روش علمی جست و جو می کند و عهده دار صدق و کذب مبادی و یا صدق و کذب نظریه ای نیست که بر اساس آن مبادی شکل می گیرد. (همان)

علم آینده پژوهی: آینده امری است که مردم بتوانند با طراحی عاقلانه و سازمان دهی شده پیامدها و تحولات پیش روی خود را بشناسند و برای آن ها برنامه ریزی داشته باشند. آینده پژوهی؛ هنر شکل دادن به آینده است. مفاد این تعریف تا حدودی در روایات شیعی نیز مطرح شده و وجود دارد؛ به عبارتی دانش شناخت تغییرات و آمادگی برای مدیریت آن تغییرات است و ارزش محور است چون موضوع آن انسان بوده و انسان دارای ارزش و کرامت است. (آینده پژوهی و مطالعات دینی، ص ۶)

برخی پژوهشگران برای ساخت علمی با عنوان آینده پژوهی بیان می کنند: که باید برای ساخت آن به پنج مبدأ پرداخت که آن مبادی عبارتند از: معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی و غایت شناسی. (همان، ص ۷) لازم به ذکر است که تأثیر هر کدام از این پنج مبدأ به صورت مستقیم و غیر مستقیم در غالب مفاهیم پر کاربرد در ساحت علم فقه و اصول و فلسفه ی اصول در مواردی چون مصلحت و مقاصد شریعت و حکمت و... که توضیح آن ها در ادامه خواهد آمد، انکارناشدنی است و بیان تفصیلی وجوه ارتباط آن ها از حوصله و ظرفیت این پژوهش خارج بوده و پرداخت به آن سلسله مقالات می طلبد.

تأثیرات مبادی بر فرآیند اجتهاد

از جمله مهم ترین تأثیرات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأثیر مبادی معرفت شناختی: سنجش اعتبار علم علما، محدودیت دانش بشری، نیاز انسان به تعلیم انبیا، انحصار علم غیب به خداوند و اولیای خداوند

- تأثیر مبادی هستی شناختی: توحید، نظام احسن خلقت، قانون مندی جهان هستی، ربوبیت الهی، مشیت الهی

- تأثیر انسان شناسی: خلیفه الله بودن انسان در زمین، دو بعدی بودن انسان، مسئولیت انسان

- تأثیر جامعه شناسی: محوریت امام در جامعه، سنت های الهی در جامعه، نگاه امامت محور به جهان

- تأثیر غایت شناسی: هدف خلقت، پیروزی حق بر باطل، امید به آینده ی نیک

۲. اجتهاد

تعریف لغوی اجتهاد

واژه ی اجتهاد از ماده ی «جهد» گرفته شده است و در لغت به معنای سعی و تلاش و کوشش آمده است. (لغت نامه ی دهخدا، ج ۱۶، ماده ی جهد) به عبارت دیگر؛ اجتهاد یعنی کوشش کردن و تمام توان خود را بکار گرفتن در جستجو و بدست آوردن چیزی (اصول الاستنباط فی اصول الفقه و تاریخه باسلوب جدید، ص ۵۱۴)

تعریف اصطلاحی اجتهاد

معنای اصطلاحی واژه ی اجتهاد بین علمای مذاهب اسلامی مورد اتفاق نظر نیست. به عنوان نمونه: علامه سیف الدین آمدی شافعی می گوید: اجتهاد عبارت است از بکار گرفتن کوشش و توان جهت رسیدن به ظن و گمان، در حکمی از احکام شرعی بگونه ای که انسان احساس نماید بیش از آن مقدار توانایی ندارد. (الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۴، ص ۲۱۸) علامه طریحی می گوید: اجتهاد یعنی بکار گرفتن سعی و تلاش در کارهای صعب و دشوار برای تحصیل ظن و گمان به حکم شرعی. (مجمع البحرین ومطلع النیرین، ج ۳، ص ۳۲) استاد مطهری در بیان معنای اصطلاحی اجتهاد می گوید: اجتهاد یعنی کوشش عالمانه با متد و روش صحیح برای درک مقررات اسلام با استفاده از منابع آن یعنی کتاب، سنت، اجماع، عقل. (اصل اجتهاد در اسلام، ج ۳، ص ۱۹۷)

مجتهد

به کسی که دارای مرتبه اجتهاد است «مجتهد» و به کسی که از او تقلید می کند «مقلد» گفته می شود. از این عنوان در اصول فقه، مبحث اجتهاد و تقلید، و نیز نخستین باب از ابواب برخی کتب فقهی تحت همین عنوان (اجتهاد و تقلید) و بابهای قضاء و حدود، بحث شده است.

تعریف مطلوب اجتهاد

اجتهاد یعنی تلاش روشمند علمی برای دست یابی به نظر خداوند و استنباط یعنی تلاش برای کشف نظر خداوند از منابع و گزاره های دین. مجتهد، مفتی و فقیه، دین شناسی است که نظر خداوند در موضوعات مختلف زندگی را می تواند با مراجعه به منابع دین استخراج و ارائه نماید. اجتهاد و استنباط، کشف نظر دین است و دین هویتی مجموعی، شبکه ای، جامع، جهانی و دارای مراتب و جوانب دارد. (نگرش سیستمی به دین، ص ۸۱ به بعد)

۳. مبادی معرفت شناختی:

از مبادی معرفتی پرکاربرد و موثر در فرآیند اجتهاد و علم فقه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مصلحت

مفهوم مصلحت

مصلحت در لغت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر است. برخی مصلحت را پاسداشت مقصود شرع به دفع مفسد از خلق دانسته اند. (شوکانی، ارشاد الفحول خوارزمی، ۴۰۳) فخرالدین رازی می گوید: مصلحت، جلب منفعت و دفع ضرر است و آنچه به موافقت انسان می انجامد و آن چه در عادات با افعال عقلا سازگار است. (فخر رازی، همان: ۲۱۹/۵-۲۰۸) از واژه ی مصلحت با واژه هایی مانند مصلحت مرسله، مناسب، استصلاح و استدلال و ... در کتابهای اصولی یاد شده است. اما همه ی آن ها به مضمون واحد نظر دارند و آن، تحصیل هر منفعت با غرضی است که در شمار مقاصد شریعت باشد. (ر.ک: جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی، ص ۱۱۴)

نقش مصلحت

از جمله مبانی معرفتی فقه اجتماعی، توجه به نقش مصلحت است. واکاوی در آثار فقهای شیعه نشان می دهد که صرف مصلحت در استنباط احکام کاربرد استقلالی نداشته و هیچ گاه مثل کتاب، سنت، عقل و اجماع به عنوان مدرک و ادله ی اجتهاد به حساب نمی آمده است. از این رو صرف مصلحت، سند حکم در هیچ مسئله ای نخواهد بود. اما توجه به مصلحت بندگان در استنباط و تفسیر نصوص احکام، حضور احکام ولایی و حکومتی که بر اساس صلاح دید حاکم اسلامی انشا می شود، تقدیم اهم بر مهم و مهم بر غیر مهم از جهت ملاک و مصلحت در تراجم اجرای احکام، اعتقاد به تبعیت احکام از مصالح و مفسد، حضور قواعدی مثل لاضرر و لاجرح در ابواب فقه، همه نشان از حکایت حضور جدی عنصر مصلحت در اجتهاد امامیه دارد، به گونه ای که اگر فقه امامیه را فقه المصالح بنامیم، حرف گزافی نزده ایم. (فقه و مصلحت، صص ۳۶-۳۴)

اما اهل تسنن حضور مصلحت را به دلایلی از جمله عدم بهره گیری از سنت و روایات امامان معصوم علیهم السلام و رو به رو بودن با فقر جدی اسناد و مدارک استنباط، در فقه جدی تر از امامیه دنبال کرده اند. همچنین نگاه آنان به مصلحت همان طور که مشاهده شد، یک نگاه استقلالی است. (ر.ک: روش شناسی فقه اجتماعی از دوره ی تأسیس تا دوره ی تثبیت، صص ۵۳-۳۵)

نقد و بررسی مصلحت از نگاه فقهای شیعه

در نسبت سنجی مصلحت با شریعت، سه مقام را می توان از همدیگر تفکیک کرد:

مقام اول: مقام تشریح احکام از سوی خداست. بر اساس اعتقاد شیعه، خداوند احکام را بر اساس مصالح و مفاسد تشریح کرده است.

مقام دوم: مقام استنباط است. در مقام استنباط احکام شرعی، فقهای شیعه با چهار منبع کتاب و سنت و عقل و اجماع و با تکیه بر ادله ی قطعی سعی در بدست آوردن احکام شرعی دارند.

مقام سوم، مقام اجراست. منظور این است که در مقام اجرای احکام شرعیه (در ضمن تشکیل سازمان حکومت و با تأسیس نظام سیاسی) به عنصر مصلحت توجه می شود. طرح مصلحت در این مرحله به این صورت است که اجرای احکام شرعی در جامعه بر چه معیاری استوار است. بسیاری از فقها یکی از معیارهای مهم را مصلحت معرفی کرده اند. بنابراین، مصلحت در این مرحله مربوط به حکم حکومتی است. (گفتمان مصلحت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت، صص ۴۲)

علامه طباطبائی معتقد است احکام حکومتی، تصمیماتی هستند که ولی امر در سایه ی قوانین شریعت و رعایت موافقت آن ها به حسب مصلحت وقت اتخاذ می کند و طبق آن ها مقرراتی وضع نموده، به موقع اجرا می کند. مقررات نامبرده لازم الاجرا بوده، مانند شریعت دارای اعتبار هستند؛ با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت اند، ولی مقررات وضعی، قابل تغییر و در ثبات و بقاء تابع مصلحت هستند. مقررات می توانند تدریجاً تبدیل پیدا کند و جای خود را به بهتر از خود دهند. (بررسی های اسلامی، صص ۱۸۱-۱۷۸؛ ر.ک: گفتمان مصلحت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت، صص ۵۸-۳۳)

رابطه ی مصلحت و مقاصد شریعت

اهل سنت، مصلحت را در پیوند با مقاصد شرع نیز مورد توجه قرار داده اند. غزالی می گوید:

مصلحت به معنی محافظت از مقصود شریعت و مقصود شریعت، حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال خلق است. (المستصفی من علم الاصول، ج ۱، ص ۱۴۰)

شاطبی مصالح یعنی ضروریات، حاجیات و تحسینات را مقاصد شریعت دانسته و معتقد است همه ی تکالیف شرعی برای حفظ این مقاصد تشریح شده است. وی به ترتیب حفظ دین، نفس، نسل، مال و عقل را که در همه ی ملل مراعات می شود، ضروریات پنج گانه و عبادات، عادات، معاملات و جنایات را به عنوان حاجیات و مکارم اخلاق، آداب و مستحبات را در زمره ی تحسینات معرفی کرده است. (الموافقات فی اصول الشریعه، قسمت سوم کتاب، صص ۱۰-۷)

علمای شیعه نیز مشابه چنین کاری را انجام داده اند برای نمونه:

میرزای قمی نیز در مقام بازشناسی مصالح معتبر شرعی و عقلی از مصالح نامعتبر و لغو یا مرسله، مصلحت حفظ دین، نفس، عقل، مال و نسل را از گونه ی اول شمرده و محافظت بر آنها را شرعاً و به حکم عقل لازم شمرده است. (القوانین فی الاصول، صص ۹۲) شهید اول نیز از این پنج مصلحت به عنوان ضروریات پنج گانه یاد می کند و معتقد است هیچ شریعتی نیامده است، مگر برای حفظ این امور (القواعد و الفوائد فی الفقه، ج ۱، ص ۳۸؛ ر.ک: حفظ نظام، مقصد اساسی شریعت در فقه و قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام، صص ۱۳۶)

۲. مقاصد شریعت

توجه به مقاصد شریعت: همچنان که نمی توان یک جمله از یک سخنرانی پیوسته را جداگانه تفسیر کرد، و نمی توان دستوری از یک قانون را جدا از سایر قوانین به کار بست، نمی توان سخن یا دستوری از یک مکتب و شریعت آسمانی را جدای از سایر کلمات آن تفسیر کرد. عالمان و فقیهان، هر چند از مخصص و مقید پیوسته و ناپیوسته، لفظی و غیر لفظی جستجو می کنند، تا جایی که یقین به عدم پیدا شود، اما نوعی فحوص دیگر هم لازم است و آن توجه به مقاصد شریعت و در نظر گرفتن مجموع آن است که فراتر از مخصص و مقید مصطلح است. به عنوان مثال: اگر آیه ی «الرّجال قوامون علی النّساء» (نساء/۳۴) بر سرپرستی مردان دلالت دارد، فقیه نمی تواند این سرپرستی را جدا از اصل معاشرت به معروف، عدالت، احترام به والدین و حقوق آنها، صلح رحم و احترام خویشاوندی، اهلیت و صلاحیت در مدیریت و نیز اصل «لا طاعة لمن عصى الله» در نظر گرفته، توجیه و تفسیر کند. (مهریزی، ۱/ ص ۱۰۱؛ ر.ک: بررسی عوامل پویایی فقه، صص ۱۱۱)

مددگیری دانشمندان معاصر اصول فقه از بحث مقاصد در استنباط احکام، نشانه ای دیگر از تبعیت احکام از مقاصد است. اگرچه در دانش اصول شیعه باب مستقل در این زمینه گشوده نشده است و حتی برخی از متاخران به دلیل کلامی بودن این بحث آن را مورد بی مهری و کم توجهی قرار داده اند، کثیری از اندیشمندان شیعه بر مسئله ی مقاصد در احکام تاکید می کنند و روزمرگی فقه شیعه را غافل ماندن از مقاصد احکام قلمداد می نمایند. (ر.ک: تفسیر میزان، ج ۲، ص ۲۳۵؛ الرسائل الفقہیہ علامه بهبهانی و...، بنابراین، فقهای شیعه

پیوسته بحث مقاصد در احکام معاملات را با تعبیر غرض از حکم مطرح کرده اند اگرچه کاربرد مقاصد در میان فقهای معاصر مانند حضرت امام بسیار چشم نواز است. توجه به پیامدهای ناصواب کم توجهی به دانش مقاصد رهنمون به این رهیافت است که بی مهوری به دانش مقاصد در استنباط احکام، زمینه ی ناکارآمدی احکام را فراهم می سازد. بنابراین با مقبول بودن اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد که یک اصل شناخته شده و مقبول ماست، می توان از تلاشهای دیگران در این زمینه ها بهره ها برد. یکی از راه های خروج از رویکرد صرف فردگرایانه در استنباط فقهی و حرکت به رویکرد اجتماعی که مورد نیاز فقه رسانه است، توجه به جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهیست. باید به شریعت بر اساس طبیعت اصلی اش که فقه انسان، جماعت، امت و جامعه و در ضمن فقه افراد است نگریسته شود. کاری که نظیر آن را امام خمینی ره با گشودن باب تاثیر زمان و مکان بر فرآیند اجتهاد کردند. (جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی، صص ۱۳۰-۱۲۷)

مفهوم مقاصد شریعت

مفهوم لغوی

مقاصد در لغت جمع مقصد از ریشه ی «قَصَدَ الشَّيْءُ وَ قَصَدَ لَهُ وَ قَصَدَ إِلَيْهِ قَصْدًا» به معنای طلب کردن یا اثبات کردن چیزی است. (قاموس المحيط، ج ۱، ص ۲۲۷) واژه ی شریعت نیز در لغت به معنای «راه ورود به آب» است. (لسان العرب، ذیل واژه؛ مقاصد الشریعه، ص ۱۳) «مقصد» در قرآن کریم (پی نوشت: «... فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ» لقمان/ (۳۲)؛ «... وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» مائده/ (۶۶)؛ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ...» توبه/ (۴۲) نیز به همین معنای لغوی کاربرد داشته است. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۶۹) برخی مقاصد را مرادف حکمت دانسته اند. (اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ص ۳۹)

در ترکیب مقاصد شریعت، شریعت بر مجموعه ی دین اطلاق می شود و معارف شریعت که شامل سه حوزه ی اصلی عقاید و احکام و اخلاق است، مشتمل بر دو رکن اساسی علمی و عملی بوده، یکی بر دیگری متوقف است. پیدایش ملکات نفسانی که منشأ رفتارهای آدمی در حوزه اخلاق و احکام است، بر تحقق نگرش و جهان بینی فکری در عرصه ی عقاید مبتنی است. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۳، ص ۳۴۰)

مفهوم اصطلاحی

در اصطلاح نیز مقاصد شریعت؛ غایات، اهداف، نتایج و معانی است که شریعت برای آن آمده و در احکامی که توانایی قانون گذاری یا دستیابی به آن را داشته تجسد پیدا کرده است. («هِيَ الْغَايَاتُ وَ الْأَهْدَافُ وَ النَّتَائِجُ وَ الْمَعَانِي الَّتِي أَتَتْ بِهَا الشَّرِيعَةُ وَ أُتْبِتَتْهَا فِي الْأَحْكَامِ وَ سَعَتْ إِلَى تَحْقِيقِهَا وَ إِيجَادِهَا وَ الْوُصُولِ إِلَيْهَا فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ مَكَانٍ»). (مقاصد الشریعه، ص ۱۳) ضرورت پژوهش در مسئله ی «مقاصد شریعت» مقاصد شریعت همواره کانون توجه دانش «فلسفه ی فقه» بوده است. ضرورت پژوهش در مسئله ی «مقاصد شریعت» را می توان چنین بیان کرد:

۱. بازنگری حرکت کلی فقه و کارکرد آن

۲. تعیین قلمرو دانش فقه و پویایی آن

۳. نو فهمی و بازنگری نوین مسائل فقهی

۴. دسته بندی احکام در ساختار منسجم و منطقی (جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی، ص ۱۰۴ و ص ۱۰۲)

بر اساس گزارش کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، صص ۳۱۴-۳۱۲) آنچه به دست می آید این است که: «دانش مقاصد» نزد عالمان شیعی از اواخر قرن سوم آغاز و با نگاشتن کتابهای العلل رونق می گیرد. نخستین اثر بر جای مانده ، کتاب علل الشرایع و الاحکام، تالیف ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (م ۳۸۱ ق) است که در قرن چهارم به زیور نشر آراسته شده است. با زایش این اثر، اثرهای دیگر نیز جوشید. همانند: کتاب علل الحج، اثر ابوجعفر محمد بن علی بن باویه؛ علل الصوم، اثر ابوعلی القمی، احمد بن اسحاق الاشعری؛ علل الفرائض و النواقل، اثر محمد بن الحسن بن عبدالله الجعفری؛ علل النکاح و المتعه، اثر یونس بن عبدالرحمن؛ علل الوضوء، اثر جعفر محمد بن علی بن الحسین؛ علل الوضوء، محمد بن اسحاق خراسانی؛ (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، صص ۳۲۴-۳۱۳)

مقاصد شریعت، همواره با عناوین گوناگون مانند حکمت تشریح، علل شرایع و... کانون توجه عالمان و امامان مذاهب اسلامی بوده است. اما قدرت و اوج گیری گرایشهای لفظی در فهم شریعت، نگاه مقاصدی را در حدود یک قرن پس زد اما امروزه کافی نبودن روش فهم سنتی و جواهری شریعت در رفع نیازمندی های جدید زمانه، فقهای مصلح مذاهب را بر آن داشت تا در جست و جوی راه های خروج از این بن بست تلاش کنند.

مفهوم حکمت

حکمت در لغت به معنای اتقان و احکام آمده است و در اصل مانع شدن از انجام فعل قبیح و منع از جهل و نادانی است. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ذیل واژه) برخی حکمت را توجه به عاقبت و فرجام نیکوکاری می دانند. (مباحث العله فی القیاس عند الاصولیین، ص ۱۴).

حکمت در اصطلاح به دو معنا آمده است: یکی جلب مصلحت یا دفع مفسده که باعث تشریح حکم گردیده است؛ دیگری «حکمت» را مناسبت و تناسب معنا کرده اند. در تفاوت علت با حکمت مواردی ذکر شده از جمله: علت حکم امری ظاهری است که شارع سرنوشت حکم را با آن پیوند زده تا با آن بتواند حکم را پیاده سازد. از این رو، علت وصفی است که مناط ثبوت حکم را دارد و اگر علت نباشد حکم هم نخواهد بود. اما حکمت نفس مصلحت است و مصلحت مقصود شارع از وضع حکم است اگرچه به صورت کامل بیان نشده باشد یا در بیان، حکم دایر مدار آن حکمت نباشد. (سعدی، همان، ص ۱۰۶؛ ر.ک: جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی، صص ۱۱۳-۱۱۲) از اموری که با مسئله ی مقاصد مرتبط می شود، حکمت احکام است. رویکرد فقه امامیه به حکمت، رویکردی محتاطانه است. فقه شیعی، دلیل قرار دادن حکمت را در استنباط نمی پذیرد و تاکید دارد که تعمیم حکم به موارد علت استنباط شده از مصادیق قیاس است که تشریح به رای است و نصوص صریحی در نهی از آن وارد شده است و تسری دادن حکم از یک موضوع به موضوع دیگر، تنها به علت مصرح و منصوص منحصر است، اگرچه در این امر اختلافاتی نیز وجود دارد. (کلینی، ۵۷/۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، بی تا: ۲۷/۱۸؛ ر.ک: جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی، ص ۱۲۶)

۴. حکومت و فقه حکومتی

در ارتباط با فقه حکومتی، آثار مهمی مانند «السیر الکبیر»، تالیف محمد بن حسن شیبانی «فوق: قرن دوم هجری»، ص ۱۸۰ «الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة»، تالیف ابن الحسن علی بن محمد، معروف به ماوردی «فوق: ۴۵۰ ه.ق»، «الاحکام السلطانیة»، تالیف ابویعلی محمد بن حسین الفراه «فوق: ۴۵۸ ه.ق»، «الحسبه فی الاسلام»، تالیف ابن تیمیه «الاموال»، تالیف عبدالله بن قاسم بن سالم «الخراج»، تالیف یحیی بن آدم «الخراج»، تالیف ابو یوسف بن ابراهیم «فوق: ۵۰۵ ه.ق» و کتاب هایی که در باب خاص امامت نوشته شده اند هم چون «سلوک الملوک»، تالیف فضل الدین روزبهان خنجی اصفهانی «فوق: ۹۲۷ ه.ق»... وجود دارد. (ر.ک: تئوری خلافت (مروری بر فقه حکومتی متقدمین اهل سنت)، صص ۱۸۰-۱۷۹)

جریان شناسی رویکردهای فقه حکومتی

تشتت آراء در فقه حکومتی شیعه

مسئله ی فقه حکومتی در سالیان اخیر عمدتاً توسط کسانی مطرح شده است که توجه بیشتری به چالش ها و مسائل فقهی حکومت اسلامی مبذول داشته اند؛ اما این دغدغه های مشترک برای رسیدن به یک معنا و مفهوم واحد از فقه حکومتی کافی نبوده و با وجود مبادی و مبانی مختلف میان اندیشمندان و متفکرین این عرصه، شاهد پیدایش تلقی های متفاوتی از این موضوع هستیم. متأسفانه منقح نبودن دیدگاه برخی صاحبان اندیشه در این عرصه به علت نوپا بودن مباحث و فقدان ادبیات متفاهم علمی و همچنین داغ بودن بازار حرف های شعاری و کلی گویی های غیر تخصصی به آشفتگی مفهومی این موضوع دامن زده است. از دیگر عوامل فضای ابهام آلود فقه حکومتی، تشابه و قرابت این اصطلاح با اصطلاحات مشابه است؛ عدم تفکیک و تمایز روشن میان اصطلاح فقه حکومتی و اصطلاحات رایجی مانند حکم حکومتی، فقه سیاسی، فقه الحکومه و همچنین عدم توجه به نسبت اصطلاح فقه حکومتی با اصطلاحات نوپدید دیگر مانند فقه المصلحه، فقه المقاصد، فقه المنظمات، فقه اجتماعی و فقه تمدنی موجب تشتت آراء، عدم پیدایش فهم مشترک و بروز برخی لغزش ها و مغالطات علمی شده است. (ر.ک: درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی، صص ۲۱-۲۰)

تشتت فقه حکومتی و سیاسی اهل سنت

وجود چالش های بنیادین در نظام سیاسی اسلام پس از رحلت پیامبر (ص) منجر به رهیافت های مختلف حکومتی گردید. فقه حکومتی اهل سنت نیز تا حدودی تحت تاثیر شرایط حاکم بر امامت و خلافت قرار می گیرد. در میان مذاهب فقهی اهل سنت، مذاهب سه

گانه ی حنفی و مالکی و حنبلی در استناد به فتوای صحابه نسبت به شافعی مذهبیان تاکید بیشتری دارند؛ به طور مثال، با این که ابوحنیفه بر اجتهاد مبتنی بر قیاس تاکید ورزید و آن را بعد از کتاب خدا از بهترین منابع استنباط می دانست به هنگام تعارض، فتوای صحابه را مقدم می دانست و هم چنین حنفی ها اعتقاد دارند که گفته ی صحابی هم به منزله ی عمل او، حجت است. به هر حال، نظریه ی عدالت صحابه و مشروعیت اعمال و اقوال آن ها منجر به تعدد مکاتب کلامی و فقهی خصوصا فقه سیاسی گردید و تا حدودی آراء اهل سنت را دچار گسیختگی و تشتت نمود.

استعمال واژه ی خلافت در میان اهل سنت

واژه ی خلافت علی رغم استعمال محدود آن در سقیفه، در آغاز دوره ی ابوبکر فراگیر می شود. ابوبکر خود را خلیفه ی رسول می نامید و این واژه در نامه های وی، از دوران جنگ ها و زمان خلافت به تواتر استفاده گردیده است. (وثائق، ج ۱، ص ۳۰۲)

پس از ابویوسف، علمای بزرگی چون حافظ (ف: ۲۵۵ ه.ق)، ابن قتیبه (ف: ۲۷۶ ه.ق)، باقلانی مالکی (ف: ۴۰۳ ه.ق)، عبدالقاهر بغدادی (ف: ۴۲۹ ه.ق)، امام الحرمین جوینی (ف: ۴۹۹ ه.ق) و امام محمد غزالی (ف: ۵۰۵ ه.ق) از جمله علما و فقهای اهل سنت هستند که به موضوع خلافت از دیدگاه سنت با گرایش های مختلف اشعری، معتزلی و ... پرداخته اند. فکر سیاسی ماوردی، نقشی به سزا در تدوین نظریه ی خلافت اهل سنت و دستگاه اداری حاکم بر عهده گرفته است، لیکن در نظریات او هم چنان مفاهیمی چون معنی و حدود اختیارات و وظایف دولت، بی سوال باقی مانده است. (ر.ک: تئوری خلافت (مروری بر فقه حکومتی متقدمین اهل سنت)، صص ۲۰۰-۱۸۰)

احکام فقهی، بایدها و نبایدهای الزامی و غیر الزامی است که از طریق اجتهاد کشف و رفتار افراد را در عرصه های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی (و رسانه ای) تنظیم می کند. هرچند سیر تاریخی اجتهاد در مذهب تشیع، به دلیل انزوای سیاسی، بیشتر به حوزه ی اول معطوف بوده است و مجتهد فرد مسلمان را در نظر می گیرد و تصویری از جامعه که حیات و روابط آن بر اساس اسلام است ندارد. (صدر، ۱۳۷۴، ص ۳۵)

شاخص فقه فردی، توجه استقلالی به مسائل است؛ یعنی در بررسی هر مسئله ی فقهی، سایر مسائل در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با فلسفه و اهداف فقه مورد توجه قرار نمی گیرد. (قاضی زاده، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

ص ۳۸ فقه حکومتی نیز فقه معطوف به تشکیل حکومت، فقه اداره ی جامعه (مبلغی، ۱۳۹۱، صص ۷۷-۷۵)، یا به معنای اتخاذ رویکردی است که به تمام ابواب فقهی ناظر بوده، دیدگاهی درباره ی روش اجتهاد و استنباط احکام پیشنهاد می کند. این فقه در استنباط احکام از منابع، اموری را مد نظر قرار می دهد که مهم ترین آن ها، قابلیت اجرای احکام استنباط شده در یک نظام حکومتی است. (همان، ص ۳۰)

رهبر معظم انقلاب، بازنگری همه ی احکام فقهی با نگرش حکومتی را یکی از واجبات اساسی در حوزه ی فقه اسلامی می دانند. هر یک از باب های مختلف فقهی را می توان در امتداد یکی از رشته ها و حوزه های حکمت عملی جست و جو کرد. برخی از آنها، نظیر بسیاری از ابواب عبادات، در امتداد علم اخلاق و بعضی دیگر، چون ابواب مربوط به نکاح و طلاق، در مسیر دانش تدبیر منزل و بخش مهم تر، که به سیاسات و امور اجتماعی می پردازد، به حوزه ی فلسفه ی سیاسی و حکمت مدنی ملحق می شود. (پارسانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷)

دکتر عبدالرزاق احمد السنهوری، از حقوقدانان برجسته ی مصر، نظریه ی خود را در زمینه ی نظام سیاسی و حکومتی با عنوان خلافت راشد یا حکومت اسلامی کامله ارائه می دهد. او در تعریف خلافت می نویسد: «هی الحکومه الاسلامیه الکامله» (سنهوری ۲۰۰۸م: ۷۹؛ مطالعه ی تطبیقی نظریه ی خلافت راشد یا سنهوری با نظریه ی ولایت مطلقه ی فقیه امام خمینی ره، ص ۸۶)

سنهوری در ارائه ی نظریه ی خویش از آرای ماوردی در احکام السلطانیه و رشید رضا در کتاب الخلافه بهره می جوید. امام خمینی ره از نظریه ی خود در کتاب فقهی کتاب البیع با واژه ی حکومت اسلامی یاد نموده است. (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ص ۶۱۷)

و آن را چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی ارتقا داد و در اصول ۵ و ۵۷ و ۱۰۷ تا ۱۱۲ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ با عنوان ولایت فقیه درج گردید. (منبع قانون اساسی) همچنین در بازنگری شورای بازنگری قانون اساسی با عنایت به اظهارات امام خمینی ره مبنی بر اینکه آن چه در قانون اساسی است بعضی از شئون ولایت فقیه است نه همه ی شئون آن (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۴۶۴) ولایت فقیه با عنوان ولایت مطلقه ی امر در اصل ۵۷ مورد شناسایی قرار گرفت.

نوشتار حاضر، ترجمه ی مقاله ی «الخلافه و ولایه الفقیه بین الاجتهاد و التقليد» نوشته ی خالد زهری می باشد که متن عربی آن در کتاب مجموعه مقالات همایش بین المللی اجتهاد در دوره ی معاصر توسط دانشگاه مذاهب اسلامی تهران- در دی ماه ۱۳۸۷- به چاپ رسیده است. در این مقاله به بررسی ولایت فقیه از نظر شیعه و خلافت از نگاه اهل سنت، پرداخته شده است.

ص ۳۶ خلیفه به معنای فرمانروا و برترین پادشاه و حاکم است. (مختار الصحاح، ص ۱۸۶)

ص ۳۷ اهل سنت نظریه ی خلافت را اساس حکومت اسلامی می دانند؛ همان طور که شیعه نظریه ی ولایت فقیه را اساس حکومت اسلامی می داند. در حقیقت این دو نظریه مساویند و فرقی بین آن دو نیست؛ با این تفاوت که ولی فقیه جانشین امام معصوم است، اما خلیفه جانشین پیامبر ص است. (بررسی تطبیقی خلافت در فقه سیاسی اهل سنت با نظریه ی ولایت فقیه از نگاه شیعه، صص ۳۶-۳۷)

همچنین محمد باقر صدر هنگام تبیین ولایت فقیه در کتاب موسوم به «الاسلام یقود الحیاه» از ولایت فقیه به خلافت یاد کرده است. (صص ۱۵۴-۱۱۵)

در فقه اهل سنت هم کتابهای بسیاری در موضوع ولایت فقیه و وظایف ولی فقیه تالیف شده است، اما عنوانی غیر از ولایت فقیه دارند. به عنوان مثال از کتب متقدمان می توان کتاب «معالم القربه فی احکام الحسبه» از ابن اخوه قرشی و کتاب «نهایه الرتبه فی طلب الحسبه» از ابن بسام محتسب، و کتابهای الحسبه فی الاسلام او وظیفه الحکومه الاسلامیه» و «السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی و الرعیه» از ابن تیمیه ی حنبلی و کتاب «التقسیم و التبیین فی حکم اموال المستغرقین من الظلمه و الغاصبین» از ابی ذکریا شبلی مالکی و کتاب «سلوک الممالک فی تدبیر الممالک» از ابن ابی ربیع و کتاب «النبر؟ المسبوک فی نصیحه الملوک» از امام ابو حامد غزالی شافعی و کتاب «الاحکام السلطانیه و الولایات الدینیّه» از ابی الحسن بغدادی ماوردی شافعی را نام برد.

مفهوم خلافت

ابن خلدون می گوید: خلافت واداشتن عموم بر مقتضای نظر شرعی در مصالح آن جهان و این جهان مردم است که باز به مصالح آن جهان باز می گردد؛ زیرا کلیه ی مسائل دنیوی در نظر شارع به اعتبار مصالح آخرت سنجیده می شود. بنابراین خلافت در حقیقت جانشینی از صاحب شریعت به منظور نگهداری دین و سیاست امور دنیوی وابسته به دین است. (ابن خلدون، مقدمه، پیشین، ج اول، ص ۳۶۵؛ بررسی تطبیقی خلافت در فقه سیاسی اهل سنت با نظریه ی ولایت فقیه از نگاه شیعه، ص ۳۵)

نظام ولایی

نگاه امام به فقه سیاسی برگرفته از نگاه معرفت شناختی وی نسبت به مسائل کلان دینی در سطح معرفت شناختی و هستی شناختی می باشد. «نظریه ی معرفت یا معرفت شناسی عبارت از مطالعه و تحقیق در سرشت، منابع، قلمرو، محدودیت ها و نحوه ی موجه کردن معرفت و شناخت آدمی است و موضوع آن، معرفت و شناخت به طور مطلق می باشد». (واعظی، ۱۳۸۸: ص ۱۰؛ مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه ی امام خمینی ره و تفاوت های آن با حقوق شهروندی در غرب، ص ۱۸)

۴. حفظ نظام

به گفته ی برخی فقهای معاصر، حفظ نظام قطعاً واجب است و بر وجوب آن به ادله ی اربعه نیز می توان استدلال کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ص ۵۰۳)

از سنجه های ترجیح مصلحت، ارتباط مستقیم مصلحت با اجتماع، نظام های اجتماعی و حاکمیت است. به همین دلیل مصلحت حفظ نظام نوع انسان ها و حاکمیت حافظ نظام بر بسیاری از مصالح مقدم می گردد... چرا که در سایه ی تأمین این مصلحت است که مقاصد کلان شرعی و اهداف خداوند از تکوین و تشریح سامان می یابد. (علی دوست، ۱۳۸۴: ص ۵۴۰)

ادله ی مقصد المقاصد بودن حفظ نظام در تشریح و قانون گذاری

علاوه بر اذعان و اقوال فقها و مفسران درباره ی مقصد داشتن شریعت و اینکه حفظ نظام در رأس مقاصد شریعت است، آیات متعددی از قرآن کریم را نیز می توان به عنوان مستند این ادعا برشمرد. همچنین علاوه بر آیات قرآن کریم نظیر آیه ی ۲۱۳ سوره ی بقره، آیه ی ۱۰۷ سوره ی توبه، میتوان از سایر ادله ی فقهی نظیر روایات معتبر و دلیل عقل نیز بهره جست. (حفظ نظام، مقصد اساسی شریعت در فقه و قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام، صص ۱۴۴-۱۴۰)

۵. وحدت

نقش رسانه ها در تقریب مذاهب اسلامی و وفاق کشورهای اسلامی

وسایل ارتباط جمعی به دلیل کارکرد اجتماعی شان در هر جامعه می توانند با انتقال پیام و اطلاع رسانی در وحدت ملی جامعه تأثیر بی مانندی داشته باشند قدرت تأثیرگذاری رسانه به قدری است که حتی توان برقراری وحدت میان ملت ها با زبان ها و قومیت های متفاوت را نیز دارد.

در شرایط کنونی امت اسلامی این کار کرده رسانه شایان تأمل و توجه است در زمان حاضر جهان اسلام در موقعیتی قرار گرفته که شاید بیشتر از هر زمان دیگر به وحدت نیازمند است و در این میان رسانه ها به عنوان ابزار اثرگذار می توانند با پیام های وحدت بخش خود شاکله امت اسلامی را در مسیر اتحاد و یکپارچگی قرار دهند و این امت واحده گسترده را در راه رسیدن به اهدافش یاری رسانند.

در این سیر این هم به عنوان یک متغیر مهم در وحدت میان ملت ها تاثیر گذار است بنابراین در مسیر وحدت یک امت جهانی رسانه و دین می‌توانند به عنوان دو متغیر مادی و معنوی تاثیرگذار باشند. (نقش رادیو و تلویزیون در کشورهای مسلمان در وحدت امت اسلامی، ۱۳۹۳)

۶. روش

مراد از روش در این پژوهش، شیوه‌ی استنباط فقهی در حوزه‌ی فقه اجتماعی و... است. در بسیاری از موارد از شیوه‌ی فقه جواهری یا همان فقه موضوعات بهره گرفته می‌شود در حالی که در مسائل اجتماعی که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رسانه و علوم ارتباطات است، این روش تنها در احکام خرد پیش برنده است و نه در استنباطات کلان و توسعه بنابراین در مسائل مستحدثه ما نیازمند کشف قواعد فقهی جدید هستیم، همچنین از نظر علم اصول ممکن است به قواعد و اصول جدیدی نیاز داشته باشیم. (روش شناسی فقه اجتماعی از دوره‌ی تأسیس تا دوره‌ی تثبیت، ۱۳۹۶: صص ۵۳-۳۵)

مبانی معرفت شناسی و تأثیر آن در روش تفقه

پس از روشن شدن تصویر «حکم» و ویژگی‌های آن از ناحیه‌ی «شارع، موضوع و مکلف» می‌بایست قواعد و ضوابط دستیابی به آن را به دست آورد. در این مرحله سخن گفتن از روش استنباط و قواعد اجتهاد می‌بایست با لحاظ ابعاد و زوایای «حکم» صورت پذیرد؛ چرا که در غیر این صورت روشی که به کار می‌بندیم، به «حکم» مورد نظر با ویژگی‌های مطلوب منتهی نخواهد شد. «روش» موضوعی مستقل در عرض موضوعات گذشته نیست؛ بلکه از ترکیب و ساماندهی خاص میان مؤلفه‌های دخیل در «حکم» و لحاظ مبانی آن‌ها و همچنین ملاحظه‌ی مبانی حاکم به دست می‌آید.

«روش تفقه» از آنجا که بر مدار حجیت شکل می‌گیرد و سعی دارد فهم از شریعت را به حجیت برساند، با مبانی «معرفت شناسی» ارتباط تنگاتنگی برقرار می‌کند. علم اصول به عنوان «روش استناد به شارع» در صدد به «حجیت رساندن فهم» در تخطاب با شارع است که این امر با بیان قواعد و ضوابط استناد به شارع حاصل می‌شود. در این صورت می‌توان گفت: مباحث علم اصول بر محور «حجیت فهم» سامان می‌یابد و از مصادیق «روش‌های تأمین حجت» سخن می‌گوید. به بیان دیگر از آنجا که «فهم مراد شارع» و «استناد به شارع» ضرورتاً از بستر «فهم» انسان عبور می‌کند و مجتهد سعی دارد فهم خود را به «حجیت» برساند، ضروری است که از منظر «معرفت شناسی»، فهم و معرفت را از نو مورد دقت قرار دهیم؛ چرا که کیفیت به حجیت رسیدن فهم، تابع تحلیل ما از «فهم» و «ادراک» است. ابتدا باید مشخص کرد که «فهم» و «معرفت» چیست تا این که بتوان گفت: «حجیت» فهم و معرفت چگونه واقع می‌شود؟ بنابراین مبانی معرفت شناسی ما در تحلیل فهم و ادراک، در تبیین «کیفیت به حجیت رسیدن فهم» تأثیر گذار است که آثار آن را می‌بایست در «فلسفه‌ی اصول» مورد دقت قرار داد تا در گام بعد بتوان به ضوابط و قواعد به حجیت رساندن فهم از دین (علم اصول فقه) دست یافت.

نکته‌ی حائز اهمیت اینکه پایه‌گذاری مبانی معرفت شناسی می‌بایست از منظر و دیدگاه دینی صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که بتوان سؤالات اصلی این عرصه را از منظر دین پاسخ داد. «معرفت شناسی» به معنای عام، جایگاه ویژه و ممتازی در میان علوم دارد و می‌تواند بر سرنوشت دیگر علوم تأثیرگذار باشد؛ از این رو در فرآیند دستیابی به علوم انسانی اسلامی، بازنگری این علم، مبتنی بر مبانی و آموزه‌های دینی از اولویت برخوردار است.

بر این اساس دو مولفه «حجیت» و «معرفت» در روش تفقه، حائز اهمیت بسیاری است؛ به اندازه‌ای که «معرفت» نیازمند به «حجیت» باشد و «حجیت» در آن سریان پیدا کند، دامنه‌ی روش تفقه گسترده می‌شود؛ چرا که «تأمین حجیت» از طریق روش تفقه صورت می‌پذیرد. البته ممکن است «روش تفقه» در لایه‌های بعدی علوم به روش‌های مضاف به آن علوم تبدیل شود و مستقیماً در آن حیطه‌ها دخالت نکند. (درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی، ۱۳۹۶: صص ۲۰۹-۲۰۷)

بیان تفاوت از منظر دامنه‌ی موضوع شناسی

«فقه موضوعات» تنها در صدد استنباط احکام «افعال مکلفین» است و دیگر ابعاد و زوایای انسانی را موضوع بحث فقهی نمی‌داند؛ اما گستره‌ی موضوعات در «فقه سرپرستی» به افعال و موضوعات دارای «احکام تکلیفی» محدود نمی‌شود؛ چرا که «فقه سرپرستی» قصد دارد جامعه را در همه‌ی ابعاد و زوایا هدایت و سرپرستی کند و همه‌ی موضوعات را تحت پوشش قرار دهد؛ از این رو علاوه بر «افعال مکلفین»، دو حوزه‌ی «امیال و گرایشات» و «عقاید و باورها» نیز موضوع بحث فقهی قرار خواهد گرفت. (روشن است که سرپرستی تمامی موضوعات به این معنا نیست که حکم همه‌ی موضوعات را مستقیماً از منابع دینی استخراج کنیم؛ بلکه تفکیک سه دسته از «معارف مستند به منابع، معارف دانشی و معارف از سنخ برنامه» ضروری است.)

از این رو گزاره‌های «توصیفی» و «ارزشی» نیز در کنار گزاره‌های «تکلیفی»، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و معرفت‌هایی از سنخ «توصیفی» و «ارزشی» به صورت مستند به منابع شرع را نتیجه می‌دهد.

توضیح بیشتر اینکه رویکرد «فقه موضوعات» از آنجا که در صدد استنباط احکام افعال مکلفین است، در جستجوی اوامر و نواهی و خطابات تکلیفی شارع برمی آید و در این میان تکالیف الزامی شارع موضوعیت دارد؛ چه اینکه در قالب گزاره‌ی انشائی باشد؛ مانند آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی مبارکه‌ی مائده و یادر قالب گزاره‌ی خبری باشد که از آن استفاده‌ی وجوب یا حرمت شود؛ مانند آیه‌ی ۹۷، سوره‌ی آل عمران. از این رو دامنه‌ی مطالعه‌ی «فقه موضوعات»، گزاره‌های تکلیفی است؛ گزاره‌هایی که بیانگر تکلیف مکلفین است. طبق این مبنای موضوعات و مسائل «ارزشی» و «توصیفی» به دانش‌های دیگری همچون اخلاق، عقاید و یا فلسفه سپرده شده است که هرکدام با متد خاص خود به تحلیل موضوعات و مسائل می پردازند.

«فقه نظامات» نیز هرچند بر احکام تکلیفی تمرکز دارد و از این منظر با «فقه موضوعات» تشابه دارد؛ اما طراحی یک نظام معرفتی نیازمند بهره‌گیری از معرفت‌های متنوع دیگری غیر از گزاره‌های تکلیفی است که عمدتاً در ناحیه‌ی مبانی و غایات نظام قرار می‌گیرند. بر این اساس اگر موضوع مطالعه، یک «نظام» بود در این صورت بهره‌گیری از گزاره‌های «توصیفی» و «ارزشی» نیز لازم است؛ چرا که توصیف کل و متغیرهای آن و ارزش و اهمیت هریک از این متغیرها و بیان مبانی و غایات نظام، توسط خطابات «توصیفی» و ارزشی صورت می‌پذیرد.

سرپرستی اجتماعی نیز از آنجا که می‌بایست به صورت شامل و فراگیر در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی تحقق یابد، جز با ورود به عرصه‌های معرفت‌های «توصیفی» و «ارزشی» ممکن نخواهد بود. بنا بر رویکرد «فقه سرپرستی» از آنجا که منظومه‌ی عقلانیت اجتماعی می‌بایست بر محور معرفت‌های دینی، شکل گرفته و اداره و هدایت جامعه را بر عهده گیرد. توسعه‌ی دامنه‌ی تفقه به عرصه‌های «ارزشی» و «توصیفی» و دستیابی به فقه اکبر، اجتناب‌ناپذیر است. (همان، صص ۱۶۹-۱۶۷)

مبادی غیر معرفتی

زمینه‌های غیر معرفتی:

منظور ویژگی‌های فردی و بستر اجتماعی فقهای است که رویکرد اجتماعی داشته‌اند نظیر شرایط اجتماعی فقها در عصر صفویه که محقق کرکی از فقهای پیشگام و ورود‌کننده به فقه اجتماعی در آن دوره است، نهضت مشروطه که در آن شیخ فضل‌الله نوری با مطرح ساختن مسئله‌ی مشروطه‌ی مشروعه فقه را به عرصه‌ی اجتماع وارد نمود، حزب الدعوه که شهید صدر با تشکیل آن سعی در وارد کردن فقه به عرصه اجتماع داشتند (منبع: جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۹-۳؛ روش‌شناسی فقه اجتماعی از دوره‌ی تأسیس تا دوره‌ی تثبیت ۱۳۹۶: ص ۴۰) و بالاخره انقلاب اسلامی که امام خمینی ره با نظریه‌ی ولایت فقیه، فقه را به عرصه‌ی اجتماع وارد نمود. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت است از:

زمان و مکان، نظر کارشناسان، دخیل کردن تاریخ اسلام و... که در ادامه به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت:

نقش زمان و مکان

زمان و مکان، دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در گذشته دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله، در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدین معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی را نیز می‌طلبد. (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۹۸) امام خمینی ره همچنین اجتهاد فقیه ناآگاه به زمان و مکان را ناکارآمد، بلکه اجتهاد چنین اشخاصی را غیر ممکن می‌داند (همان، ص ۲۸۹)

در بخش‌هایی از حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و پزشکی که به فهم و عقل و تجربه‌ی انسان واگذار شده است، زمان و مکان نقش عمده دارد. این همان محدوده‌ای است که شهید صدر ره بر آن نام «منطقه الفراغ» نهاده و وجود آن را نشان کمال دین دانسته است. (صدر، محمد باقر، اقتصادنا، ص ۷۲۵)

بهره‌گیری از نظرات کارشناسان (تجمیع نخبگانی)

نظریه‌های انتقادی فقه شیعه، بر اثر تعامل فعال با محیط فرهنگی خود، طی قرن گذشته دو انقلاب عظیم مردمی به دنبال داشت: یکی انقلاب مشروطه در آغاز قرن بیستم و دیگری انقلاب اسلامی در پایان همان قرن (پارسانیا، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱)

دوره‌ی صفویه از جمله دوره‌هایی است که فقه شیعی در عرصه‌ی اجتماع فعال گردید. محقق کرکی از جمله فقهای بودند که در این زمینه گام‌های مهمی برداشتند. ایشان بحث‌هایی از قبیل ولایت فقیه و حدود آن، بحث خراج، مقاسمه، نماز جمعه را مطرح کرده و مورد توجه فقها قرار گرفت. بنابراین تاریخچه‌ی توجه به مباحث فقه اجتماعی را می‌توان از قرن ۱۰ بیان نمود و محقق کرکی را از پیشگامان فقه اجتماعی نام برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷؛ روش‌شناسی فقه اجتماعی از دوره‌ی تأسیس تا دوره‌ی تثبیت ۱۳۹۶، صص ۴۴-۴۰) بنابراین امروزه نیز توجه به تجمیع نظرات فقهای عظام مخصوصاً مراجعی که رویکرد اجتماعی را دنبال کرده‌اند، می‌تواند در فرآیند اجتهاد و رسیدن به رسانه‌ی کارآمد مؤثر باشد.

نقش تاریخ اسلام

علاوه بر آگاهی از تاریخ تشیع، اطلاع از تاریخ اهل تسنن در فقه اجتماعی نیز ضروری است. مرحوم آیت الله بروجردی، در این باره می فرمودند: بدون اطلاع بر تاریخ و آثار وارده در کتب اهل سنت، اجتهاد مجتهد تام نخواهد بود و ناقص است. (حسینی طهرانی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳)

یکی از امتیازات فقه مرحوم آیت الله بروجردی، عنایت زیاد ایشان به تاریخ فقهی مسئله بود. (آصفی، ۱۳۹۳، صص ۴۶۸-۴۶۷) پس مطالعه در تاریخ ائمه ی معصومین علیهم السلام، واقعیت خارجی ی فقه و عینیت کلام امام را به ما می آموزد؛ برای مثال وقتی مشاهده می شود که امام علی ع خطاب به مردی یهودی در مسجد مدینه می فرمایند: یا أبا الیهود، مسلما در رفتارمان با متدینان به ادیان مختلف تحولی صورت خواهد گرفت. (حسینی طهرانی، ص ۳۳۴) با این شیوه، تفکیک در نصوص، جای خود را به فهم اجتماعی می سپارد و بسیاری از اوقات مفهوم اجتماعی یک نص گسترده تر از معنای لغوی آن می شود. (صدر، ۱۳۷۴، صص ۴۱-۴۰؛ همان، صص ۵۳-۳۵) تا این جا به مهم ترین مبادی معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر اجتهاد کارآمد مذاهب اسلامی پرداخته شد. موارد یاد شده نه تنها در حوزه ی مسائل رسانه ای و پرداخت به نظامات کلان آن مؤثر بوده، بلکه در سایر حوزه هایی چون فقه هنر، فقه اقتصاد و... سایر مسائل مستحدثه می توان از آن ها بهره جست به دلایلی که ذکر گردید.

نتیجه گیری

برخی تصور می کنند اجتهاد صرفا تحقیق و بررسی آیات فقهی و احادیث مربوط به تکالیف شرعی است در حالی که تکالیف جزئی و احکام فقهی، جزئی از مجموعه ی شریعت است. کسی که بر سایر مبانی شرع اطلاع و آگاهی و معرفت ندارد، از استنباط و اجتهاد این قسمت ناتوان خواهد بود. (حسینی طهرانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۳)

حال در پاسخ به این سوال اساسی که آیا مشکلات و آسیب های ناشی از نبود نظام رسانه ای مدون و به عبارت دقیق تر نبود تئوری فقه رسانه و نقشه ای راهبردی و کارآمد برای سایر اجزای آن، ناشی از فقدان و یا وجود نقص و کمبود در فقه مذاهب اسلامی است یا خیر؟ می توان گفت که به نظر می رسد پاسخ منفیست چرا که بی تردید فتوا و حکم هر مجتهدی مبتنی بر یکسری مبادی (مقوم یا مبانی یا اصل موضوعه) معرفت شناختی و غیر معرفت شناختی است که مذاهب فقهی اسلامی با بهره گیری از آن می توانند در فرآیند اجتهاد، احکامی کارآمد و پاسخگو صادر کنند که با بررسی منابع معتبر مذاهب فقهی و فتاوی مراجع شیعه و بزرگان اهل سنت به نظر می رسد لا اقل در این حوزه چنین مهمی انجام نشده است.

منابع و مراجع

- [۱] سوزنجی، حسین، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی؛ تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ش
- [۲] عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸ ش (چک)
- [۳] برینگ، ادوین جی، تاریخ علم روانشناسی، ترجمه: سعید شاملو، جلد اول، انتشارات رشد، ۱۳۷۴ ش (چک و کامل)
- [۴] موسوی خمینی، روح الله، تفسیر سوره حمد، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش (چک)
- [۵] مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی تهران صدرا بیتا (چک)
- [۶] موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا
- [۷] -----، طلب و اراده، ترجمه و شرح: سید احمد فهری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش
- [۸] هربرت، مارکوزه، انسان تک ساحتی، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش
- [۹] توحیدی، علی اصغر، قرائت امام خمینی ره از سیاست، تهران، پژوهشکده ای امام خمینی ره، ۱۳۸۱ ش
- [۱۰] موسوی خمینی، روح الله، الرسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش
- [۱۱] موسوی خمینی، روح الله، صحیفه ی نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش
- [۱۲] موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ ش
- [۱۳] ---، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش
- [۱۴] ---، ولایت فقیه، تهران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵
- [۱۵] کازنوی، ژان ، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران ،اطلاعات، چاپ هشتم، ۱۳۸۴
- [۱۶] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ی دهخدا، تهران، چاپ سیروس، ج ۱۶
- [۱۷] حیدری، سید علی نقی، ۱۳۸۳ ش، اصول الاستنباط فی اصول الفقه و تاریخه باسلوب جدید، ترجمه ی حمید مسجد سزایی و عباس زراعت، انتشارات حقوق اسلامی، قم
- [۱۸] طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸، مجمع البحرين ومطلع النیرین، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، بیجا، جلد ۳،
- [۱۹] مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مجموعه آثار، اصل اجتهاد در اسلام، تهران، صدرا، ج ۳
- [۲۰] مهریزی، مهدی، فقه پژوهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش
- [۲۱] طباطبائی، سید محمد حسین (بی تا)، بررسی های اسلامی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم.
- [۲۲] موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل المحشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم
- [۲۳] (مختار الصحاح، ص ۱۸۶) چک شود
- [۲۴] روزبهان حمیدالله، وثائق؛ دامغانی، محمود، نشر بنیاد، ۱۳۵۶ ه.ش
- [۲۵] آمدی، سیف الدین، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳.
- [۲۶] تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ ق چک کتابخانه
- [۲۷] مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ چک کتابخانه
- [۲۸] ریسونی، احمد، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ترجمه ی سید حسن اسلامی و سید محمد علی ابهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ چک کتابخانه
- [۲۹] سعدی، عبدالحکیم، مباحث العله فی القیاس عندالاصولیین، بیروت، در البشائر، ج اول، ۱۹۸۶ چک کتابخانه
- [۳۰] شوکانی، ارشاد الفحول خوارزمی، ۴۰۳ چک کامل
- [۳۱] فخر رازی، المحصول فی علم الاصول الفقه، تحقیق: الدكتور طه جابر فیاض، العلوانی، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، اول، ۱۹۷۲ چک شود
- [۳۲] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب، دارالتعارف، چهارم، ۱۴۰۱ ق.
- [۳۳] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- [۳۴] سنهوری، عبدالرزاق احمد، ۲۰۰۸، فقه الخلافه، منشورات الحلبي الحقوقیه، چاپ اول چک کامل

- [۳۵] موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، کتاب البیع، تهران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی ؛ چاپ و نشر عروج، چاپ اول
- [۳۶] قانون اساسی (از پایان نامه)
- [۳۷] فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۰ق، قاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه
- [۳۸] ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۶ق، لسان العرب، تحقیق: مكتب التحقیق التراث، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی.
- [۳۹] ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۱ق، مقاصد الشریعه، اردن، دارالنفاس، الثاني چك شود کتابخانه
- [۴۰] مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، مجموعه آثار، قم، صدرا
- [۴۱] الغزالی، ابو حامد محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، المستصفی من علم الاصول، بیروت، دارالکتب العلمیه چك شود کتابخانه
- [۴۲] محقق قمی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمد حسن، بی تا، القوانین فی الاصول، بی جا، چاپ حلی کتابخانه
- [۴۳] شهید اول، محمد بن مکی، ۱۹۸۰، القواعد و الفوائد فی الفقه، تحقیق: عبدالهادی حکیم، نجف، منتهی النشر
- [۴۴] الشاطبی، ابراهیم بن موسی، ۲۰۰۳، الموافقات فی اصول الشریعه، تحقیق: عبدالله دراز، بیروت، دارالکتب، الطبعة الثالثة چك کتابخانه
- [۴۵] مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه چك کتابخانه
- [۴۶] جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۹۰، امام خمینی در اندیشه ی سیاسی متفکران مسلمان، علی اکبر علیخانی و همکاران، تهران، پژوهشکده ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- [۴۷] پارسانیا، حمید، ۱۳۹۱، روش شناسی انتقادی حکمت صدرايي، قم، کتاب فردا
- [۴۸] مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، دائره المعارف فقه مقارن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع چك کتابخانه ای
- [۴۹] موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۱، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه ی مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چك کتابخانه ای
- [۵۰] صدر، محمد باقر، اقتصادنا، المجمع العلمی لشهید صدر، چ ۲، ۱۴۰۸ ق چك
- [۵۱] علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، فقه و مصلحت، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چك کتابخانه ای
- [۵۲] حسینی طهرانی، محمد حسین، ۱۳۹۲، رساله ی اجتهاد و تقلید، تقریرات بحث اجتهاد و تقلید آیت الله شیخ حسین حلی، تهران، مکتب وحی
- [۵۳] آصفی، محمد مهدی، ۱۳۹۳، جستارهایی در فقه اسلامی، به کوشش علی اکبر زمانی نژاد، قم، بوستان کتاب
- [۵۴] رشاد، علی اکبر، درآمدی تأسیسی بر فلسفه ی اصول فقه (مندرج در کتاب پیرامون فلسفه ی اصول فقه)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، ۱۳۹۲ ش، چاپ اول،
- [۵۵] غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، تقریر بحث آیت الله خویی، قم، مدرسه دارالعلم، ۱۴۱۴ ق، ج ۹
- [۵۶] بحر العلوم، محمد، بلغه الفقیه، شرح: محمد تقی آل بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ ق، ج ۳ چك کتابخانه ای
- [۵۷] القطیفی، منیر، الرافد فی علم الاصول، تقریر بحث آیت الله علی سیستانی، چاپ اول، قم، چاپخانه ی مهر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱،
- [۵۸] بنگرید به: نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۴۱ (۴۳ جلد)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه ق
- [۵۹] جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، جلد ۱ (۳ جلد)، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه ق
- [۶۰] "اجتهاد در عصر ائمه معصومین علیهم السلام"، جواهری، محمدرضا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱
- [۶۱] واسطی، عبدالحمید، نگرش سیستمی به دین (بررسی هویت استراتژیک دین)، مشهد، انتشارات موسسه تحقیقاتی - آموزشی اندیشه نور، ۱۴۲۴ ه ق
- [۶۲] خویی، سید ابوالقاسم، محاضرات فی الاصول، ۵ جلد، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۷ ق چك کتابخانه
- [۶۳] قمی، میرزا ابوالقاسم، القوانین المحکمه، تهران، الطبعة الحجریه، بی تا چك کتابخانه
- [۶۴] سجادی، سید جعفر، ۱۳۷۵، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، امیرکبیر چك کتابخانه
- [۶۵] کاظمی خراسانی، محمد علی (مقرر)، نائینی، محمد حسین (محاضر)، فوائد الاصول، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی، جلد ۱، ص ۲۷، ۱۴۰۴ ه ق

- [۶۶] مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۹ ش.
- [۶۷] آکوچکیان، احمد، مدخلی معرفت شناختی بر فقه رسانه از مبانی نظری تا سامانه‌ی احکام تا مدیریت راهبردی، قم، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، ۱۳۹۲ ه.ش.
- [۶۸] بهبهانی، محمدباقر، الرسائل الفقهیه، قم، مؤسسه علامه بهبهانی، ۱۴۱۹ق
- [۶۹] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، چ سوم، ۱۳۹۳ق
- [۷۰] میرباقری، سید محمد مهدی، درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی، تحقیق و نگارش: عبداللہی، یحیی، قم، انتشارات تمدن نوین اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش
- [۷۱] رشاد، علی اکبر، درآمدی تأسیسی بر فلسفه اصول فقه، مجله: ذهن، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۹ ش
- [۷۲] خورشیدی، سعید؛ بررسی انتقادی دلالت‌های نظریه‌ی فرهنگ دورکیم در حوزه‌ی خط مشی گذاری فرهنگ، مجله: دین و سیاست فرهنگی، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- [۷۳] پارسانیا، حمید؛ نظریه و فرهنگ: روش شناسی بنیادین تکوین نظریه‌ی های علمی؛ مجله: راهبرد فرهنگ، ش ۲۳، پاییز ۱۳۹۲ ش
- [۷۴] حبی، محمد باقر؛ انسان شناسی و هستی شناسی رسانه، مجله: عصرآدینه، ش ۷ و ۸، تابستان ۱۳۹۰ ش
- [۷۵] مقیمی، غلام حسن، مبادی و مبانی اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (قدس سره)، مجله: معرفت، ش ۱۳۸، خرداد ۱۳۸۸ ش
- [۷۶] ارکان، عاطفه، نقش رادیو و تلویزیون در کشورهای مسلمان در وحدت امت اسلامی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی مبانی و مولفه‌ها، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۳
- [۷۷] فیض، علیرضا؛ حسینی سمنانی، بتول؛ مقاله‌ی بررسی عوامل پویایی فقه، مجله: مبانی فقهی حقوق اسلامی « تابستان ۱۳۸۷ - شماره ۱
- [۷۸] شفیعی، محمود؛ خالقی، علی؛ مقاله‌ی گفتمان مصلحت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت، مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع) « بهار ۱۳۹۷ - شماره ۸۱
- [۷۹] زهری، خالد؛ جمالی، حامد؛ حاجی زاده، محسن؛ مقاله‌ی بررسی تطبیقی خلافت در فقه سیاسی اهل سنت با نظریه‌ی ولایت فقیه از نگاه شیعه، مجله: مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی « بهار ۱۳۹۱ - شماره ۲۷
- [۸۰] انصاری، منصور؛ نظری، محمدعلی؛ مقاله‌ی مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه‌ی امام خمینی ره و تفاوت‌های آن با حقوق شهروندی در غرب، مجله: اندیشه سیاسی در اسلام « تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۴
- [۸۱] واعظی، احمد (۱۳۸۸)، «ابعاد معرفت شناختی فلسفه‌ی سیاسی اسلام»، نشریه‌ی علوم سیاسی، شماره‌ی ۴۸
- [۸۲] ظریفیان، غلامرضا؛ مقاله‌ی تئوری خلافت (مروری بر فقه حکومتی متقدمین اهل سنت)، مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران « تابستان ۱۳۸۶، سال پنجاه و هشتم - شماره ۲
- [۸۳] محصلی، هدایت حسین؛ مقاله‌ی جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی، مجله: کوثر معارف « تابستان ۱۳۹۱، سال هشتم - شماره ۲۲
- [۸۴] نقیعی، سید ابو القاسم؛ مقاله‌ی مطالعه‌ی تطبیقی نظریه‌ی خلافت راشده‌ی سنه‌وری با نظریه‌ی ولایت مطلقه‌ی فقیه امام خمینی ره، مجله: پژوهشنامه متین « تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۵۵
- [۸۵] ملک افضلی اردکانی، محسن؛ مقاله‌ی حفظ نظام، مقصد اساسی شریعت در فقه و قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام، مجله: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی « پاییز ۱۳۹۶، دوره سوم - شماره ۶ (۲۰ صفحه - از ۱۳۳ تا ۱۵۲)
- [۸۶] علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، فقه و مقاصد شریعت، مجله‌ی فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره‌ی ۴۱ چک با نرم افزار
- [۸۷] ربانی، محمد باقر؛ ابراهیمی پور، قاسم؛ مقاله‌ی روش شناسی فقه اجتماعی از دوره‌ی تأسیس تا دوره‌ی تثبیت، مجله: معرفت فرهنگی اجتماعی « تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۳۱
- [۸۸] صدر، محمدباقر، ۱۳۷۴، روند آینده‌ی اجتهاد، فقه اهل بیت، ش ۱ چک با نور مگز
- [۸۹] قاضی زاده، کاظم، ۱۳۹۱، درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه (مجموعه مقالات و نشست‌ها)، به کوشش سعید ضیائی فر، دفتر تبلیغات اسلامی چک با نور مگز
- [۹۰] مبلغی، احمد، ۱۳۹۱، درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه، مجموعه مقالات و نشست‌ها، به کوشش سعید ضیائی فر، دفتر تبلیغات اسلامی چک با نور مگز

- [۹۱] عیوضی، محمد رحیم؛ لک، بهروز؛ خزائی، سعید؛ نشست: آینده پژوهی و مطالعات دینی، مجله: کتاب ماه دین « مهر ۱۳۸۸ - شماره ۱۴۴
- [۹۲] بیانات رهبری ۱۱ / ۹ / ۱۳۸۳
- [۹۳] بیانات رهبری ۵ مهر ۱۳۷۳
- [۹۴] مقام معظم رهبری، نامه خطاب به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ۲۵ آبان ۱۳۷۱
- [۹۵] خسروپناه، عبدالحسین، درس خارج فلسفه ی فقه با رویکرد سیاسی اجتماعی، تقریر: حسن زاده، حامد، قم، موسسه ی عالی حکمت، جلسه ی پنجم، ۱۳۹۴ ه.ش (پایگاه اطلاع رسانی وسائل)